مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

نویسنده : جیرالد سوسمن
مترجم:سید حسام مل

۲۰۲۶/۱۱/۰۵

ریگن، ترامپ و دولتِ پروپاگند نئولیبرال

منبع وتاریخ نشر: کونتر پانچ ۲۰۲۶/۱۱/۰۲

بسیاری از ناظران این سوال را مطرح کرده‌اند که «چگونه ایالات متحده به یک رئیس جمهور روان پریش تبدیل شد که هیچ اهمیتی به حقیقت نمی‌دهد؟» درک انتقادی و تاریخی از اقتصاد سیا سی سیاست به توضیح ریا ست جمهوری خود بزرگ بین ومعاملهگر کمک می کند و به ظاهر بی معنای را معنا می‌بخشد.
در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰، هم ایالات متحده و هم بریتانیا تحول رادیکال اقتصاد سیا سی بین‌المللی را به سمت یک رژیم نئولیبرال بنیادگرا رهبری کردند. این به معنای آن بود که حوزه عمومی به طور سیستماتیک به نفع یک حوزه خصوصی کاملاً آزاد و بی قید و بند به عنوان آرمان اخلاقی فرسا یش می یابد. داور عقلانیت از رهبری افراد آگاه به افکار عمومی به کسا نی که مشتاق اداره دولت بر اساس اصول کاملاً بازار هستند، تغییر می‌کند.
مارگریت تاچر به طرز مشهودی شعار دولت نئولیبرال را بیان کرد: «هیچ جایگزینی وجود ندارد»، به این معنی که سرمایه‌داری شرکتی تنها گزینه موجود است. هدف او درهم شکستن اتحادیه‌های کارگری و سیا ست‌های سوسیا لیستی بود. شریک جرم او، رونالد ریگن، که یک سال بعد انتخاب شد، به عنوان همراه او عمل می کرد. یکی از اهداف تاچر، اتحادیه ملی کارگران معدن بود، در حالی که ریگان اتحادیه کنترل کنند گان ترافیک هوایی، پا تکو، را هد ف قرار داد و آن را به ویرانه ای تبدیل کرد.
این دو نفر توانستند با استخدام متخصصان روابط عمومی از بخش خصوصی تجاری، ایدئولوژی مشترک فردگرایانه خود را گسترش دهند. "استادان خبرچینی"، همانطور که به آنها گفته می شد، از حوزه‌های با زاریا بی، فروش ، تبلیغات، تبلیغات، روابط عمومی، مدیریت افکار عمومی و حرفه‌های ارتباطی مرتبط بودند. تاچر شرکت تبلیغاتی غول‌پیکر ساچی و ساچی را برای کمک به اداره کمپین خود استخدام کرد، در حالی که ریگن از سنت استفاده محدود از متخصصان کمپین فاصله گرفت و به استخدام عمده متخصصان و مشاوران تبلیغاتی که از آژانس‌های بزرگ خیا با ن مدیسون، بی‌بی‌دی‌او، اوگیلوی و ماتر، یانگ و روبیکام و دیگران مرخصی گرفته بودند، روی آورد.
ریگن مجذوب این بود که چگونه حرفه هالیوودی خودش بر فرهنگ آمریکایی تأثیر گذاشته است. چرا او، یک بازیگر درجه «C»، نمی‌توانست همین کار را در حوزه سیاسی با عبارات پیش پا افتاده‌ای ما نند «شهر درخشان روی تپه»، یعنی آمریکا به عنوان یک ایا لت منحصر به فرد و مورد احترام جها نی، و مشاهده سنجیده اش مبنی بر اینکه: «درختان آلودگی بیشتری نسبت به خودروها ایجاد می‌کنند» انجام دهد؟ تیم تبلیغات/روابط عمومی ریگن، ارتباطات قصر سفید را به یک «کمپین دائمی» تبدیل کرد، با نظرسنجی مداوم، که به مشاوران او قدرت عظیمی برای قا لب بندی و دستکا ری گفتمان سیاسی مردمی و شکل‌دهی به شخصیت ریگن به عنوان یک چهره تقریباً فرقه مانند می‌داد.
صنعت تصویر سا زی ریاست جمهوری صرفاً از درخشش مشاوران ارشد رسانه‌ای ریگن، جیمز بیکر، ادوین میس و مایکل د یور ، نا شی نشد. دلالی فرهنگی صنایع رسانه‌های جمعی از قبل با استفاده‌های تبلیغاتی از «گفتگوهای کنا ر آتش » رادیویی روزولت و تبلیغات تلویزیونی آیزنهاور («آیزنهاور به آمریکا پاسخ می‌دهد» و آهنگ شاد «من آیک را دوست دارم») ایجاد شده بود. آنچه در مورد دوران ریگن منحصر به فرد بود این بود که تیم ارتباطات او در طول هشت سال ریا ست جمهوری اش، بی‌وقفه به انتشار اخبار قصر سفید در رسانه‌ها/روابط عمومی می‌پرداخت و چیزی را ایجاد کرد که به عنوان «ریا ست جمهوری روابط عمومی» شناخته می‌شود. هیچ

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

رئیس جمهور دیگری از آن زمان، تا قبل از ترامپِ شیفته ی رسانه ها، نتوانسته بود به این اندازه بر رسانه‌های جریان اصلی (MSM) کنترل داشته باشد.
ترامپ بالاترین مقام دولتی و رسانه‌ها را به سطوح سلطنتی و فوق خودشیفته رسانده است و دائماً رسانه‌های جریان اصلی تشنه‌ی رسوایی را به دام انداخته تا خودش را، نه سیاست عمومی یا منافع عمومی، به خبر تبدیل کند . کنترل انحصاری سرمایه‌داری بر رسانه‌های جریان اصلی و فروپاشی استانداردهای روزنامه نگاری لیبرال دموکراتیک، هم متحدان طبیعی ترامپ را تشکیل می دهد و هم با سبک مبارزه‌جویانه‌ی او همزیستی می‌کند.
سه تحول دیگر نیز راه را برای ترامپیسم هموار کرد. در حکم دیوان عالی در پرونده‌ی باکلی علیه والئو در سال ۱۹۷۶، اکثریت رأی دادند که تعیین محدودیت برای هزینه‌های مبارزات انتخاباتی توسط گروه‌ها یا افراد، نشا ن دهنده‌ی محدودیتی بر آزادی بیان است و بدین ترتیب اصل «پول برابر با بیان ا ست» را برقرارکردند. این حکم، دریچه‌های فساد و سلطه‌ی الیگارشی بر مبارزات انتخاباتی و گفتار و رفتار سیاسی فاسد را گشود.
هزینه‌های انتخابات ریاست جمهوری به تنهایی در سال ۱۹۷۲، ۱۳۸ میلیون دالر بود؛ در سال ۲۰۲۰، به ۶.۳۷ میلیارد دالر رسید؛ در کنار رقابت های کنگره، تقریباً به ۱۶ میلیارد دالر رسید. بیشترین سهم به تبلیغات تلویزیونی تعلق گرفت ، که یکی از ذینفعان اصلی بهترین سیستم انتخاباتی است که با پول می‌توان خرید. این ثروت بادآورده تبلیغاتی، رسانه‌های سرمایه‌داری شرکتی را به احزاب سیا سی ، صنعت تبلیغات انتخاباتی و طبقه حاکم گسترده‌تر متصل می‌کند، که همگی در خدمت و حفظ مشروعیت دولت هستند.
حذ ف دکترین انصاف کمیسیون ارتباطات فدرال در سال ۱۹۸۷، که از سال ۱۹۴۹ ایستگاه‌های پخش را ملزم به پخش پاسخ‌های متضاد در مورد موضوعا ت سیا سی بحث‌برانگیز می‌کرد، موج جدیدی از تفسیرهای سیاسی به‌شدت حزبی و جنجالی، به خصوص در رادیو و فاکس نیوز، را به همراه داشت. در عصر نئولیبرال ، حتی محد ودیت‌های محدود بر پروتوکل‌های دیرینه در سخنرانی‌های سیاسی نیز برداشته شد و به راست سیاسی و همچنین لیبرال‌ها این امکان را داد که در مسیر جنگ علیه مخالفان خود قرار گیرند. راشاگیت یکی از این کارناوال‌های جنگ سیاسی بود که توسط لیبرال‌ها برای تخریب اولین دوره ریاست جمهوری ترامپ به راه انداخته شد. او از آن زمان تاکنون تلافی کرده است.
سوم، صنعتی زدایی آمریکا که از دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ تحت هر دو حزب آغاز شد، دست در دست نئولیبرالیسم پیش رفت و اقتصا د تولیدکننده را با اقتصاد فروش (یعنی بازاریابی، روابط عمومی، تبلیغات) جایگزین کرد. آمریکایی ها اکنون بخش زیادی از زندگی خود را به عنوان مخاطب می‌گذرانند - از رتبه بندی‌های ویزیت داکترگرفته تا «لایک»های پادکست‌های آنلاین. بنابراین ، شکل ارتبا طا ت سیا سی که ترامپ به طرز عجیبی به نمایش می‌گذارد، برگرفته از شخصیت عجیب و غریبی است که او در نمایش «رئالیتی شو» تلویزیونی خود با زی می کرد ، می توان آن را به آغا ز سرمایه داری نئولیبرال، مقررات زدایی از قوانین هزینه‌ها، ظهور فرهنگ غالب بازاریابی سیاسی، فروپاشی ارتباطات سیاسی و از بین رفتن حوزه عمومی شکننده در آمریکا نسبت داد.
در سیا ست خارجی ، جو بایدن ، سلف او، جنگ سرد را از سر گرفت و تا آن زمان، سخنرانی سیا سی را به پا یین ترین سطح خود رساند و از رئیس جمهور روسیه به عنوان «اراذل و اوباش»، «قاتل» ، «دیوانه ی بی‌ا دب» و «دیکتاتور قاتل » یاد کرد. هیلاری کلینتون، نامزد ریاست جمهوری دموکرات‌ها و وزیر امور خارجه سابق، با نامیدن پوتین به عنوان یک «برتری‌طلب سفیدپوست» و مقایسه او با هیتلر، تمام تشریفات دیپلماتیک را زیر پا گذاشت.
در گفتمان نئولیبرال، تنها چیزی که اهمیت دارد این است که آیا این گفتمان به فروش می‌رسد یا خیر.
آیا پس از ترامپ، بازگشت به وضعیت عادی گفتمانی وجود خواهد داشت؟ آیا خوشحال هستید؟

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ